### جلسه 7

**چهارشنبه - 12/۰8/۹۵**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه فی الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث در حرمت استعمال آلات لهو بود.

بحث به اینجا رسید که عرض کردیم ظاهر نهی در روایات از نواختن نی و زدن طبل مثل موثقه سکونی: انهاکم عن الزفن و المزمار و الکوبات و الکبرات، این است که نهی از این‌ها به عنوان مصادیق آلات لهو بوده. یعنی عرفا چون نی و طبل چه طبل بزرگ چه طبل کوچک، الکبرات طبل بزرگ، الکوبات طبل کوچک، مزمار هم نی، این‌ها در عرف به عنوان آلات اللهو شناخته می‌شده. نهی از این‌ها در متفاهم عرفی یعنی نهی از ضرب آلات لهو.

بحث است که آیا نهی از ضرب آلات لهو، مطلق است یا منصرف است به ضرب این‌ها به کیفیت لهویه؟

#### مرحوم امام: حرمت مطلق استعمال آلات لهویه

از برخی از کلمات امام قدس سره هم استفاده می‌شود که اگر آلات لهو یعنی آلات مختصه لهو باشد، عرفا به آن بگویند آلات لهو، استعمال آن و لو به غیر کیفیت لهویه، حرام است. و آنی که جایز است استعمال آلات مشترکه است به غیر کیفیت لهویه. مثلا در استفتائات جلد 2 صفحه 12 دارد: خرید و فروش آلات مختص به لهو جایز نیست و در آلات مشترکه اشکال ندارد. این بحث خرید و فروش هست. در صفحه 14 دارد که: اگر در ارتباط با موسیقی‌های مطرب کار نکنید مانع ندارد ولی از استعمال آلات لهو باید اجتناب نمایید اگر آلات ممحض برای لهو باشد. فرمود: موسیقی مطرب اگر نبود، ‌اشکال ندارد ولی مراقب باشید استعمال آلات لهو نکنید. یعنی در واقع شرط جواز موسیقی دو چیز شد: یکی این‌که از ابزار و آلات مختصه لهو استفاده نکنیم. دیگر این‌که به کیفیت لهویه هم ما موسیقی نزنیم.

در برخی از استفتائات دیگر صفحه 17 فرمودند در جواب این سؤال: گیتار و یا سایر وسائلی را که هم اکنون ما در منزل داریم اگر چه اصلا از آنها استفاده نمی‌شود چه کنیم؟ جواب: آلات لهو را باید از بین ببرید.

این نشان می‌دهد که نظر امام قدس سره این بوده که آن آلاتی که عرفا آلات لهو شمرده می‌شوند، استعمال اینها، نواختن این‌ها مطلقا، نگهداری اینها، خرید و فروش این‌ها حرام است. و آنی که جایز است استعمال آلات مشترکه هست به غیر کیفیت لهویه.

که از مرحوم آقای خوئی هم ما این مطلب را نقل کردیم.

#### مرحوم آقای بهجت: حرمت مطلق استعمال آلات لهویه

در استفتائات مرحوم آقای بهجت جلد 4 صفحه 523 سؤال کردند: آیا موسیقی حلال وجود دارد؟ جواب: اگر با آلات لهو باشد صورت حلال ندارد. باز در صفحه 523: نی از آلات موسیقی است و اشکال دارد.

یعنی احتیاط واجب هست ظاهرا که مطلقا آلات لهو استعمال نشود و لو به کیفیت لهویه. استعمال آلات مختص به لهو در غیر لهو بناء بر احتیاط واجب جایز نیست. این را در توضیح المسائل محشی که به اسم امام هست ولی این بخش، استفتائات مرحوم آقای بهجت است، ‌جلد 2 صفحه 913، این استفتاء‌از مرحوم آقای بهجت است: استعمال آلات مختص به لهو در غیر لهو بناء‌بر احتیاط واجب جایز نیست.

#### لزوم شناخت معنای لهو به جهت حرمت استعمال لهوی آلات مشترکه

ما اگر هم قائل بشویم به حرمت استعمال آلات لهو مطلقا و لو به غیر کیفیت لهویه، باز در آلات مشترکه چون تفصیل هست بین نواختن لهوی و نواختن غیر لهوی باز باید تعریف لهو را ما بدانیم چیست. بلکه به نظر می‌رسد ظاهر انهاکم عن المزمار و الکوبات و الکبرات به مناسبت حکم و موضوع استعمال لهوی این‌ها است. وقتی که می‌گویند شما را نهی می‌کنم از نی و طبل، در عرف بیش از این ظهور ندارد چون این‌ها آلات لهو هستند و لذا بیش از این ظهور ندارد که با کیفیت متناسبه با لهو نواختنش حرام است؛ از جایی که مناسب با لهو نواخته نشود، ‌شبهه انصراف دارد.

#### اکثر آلات، آلات مختصه لهو است

و ما این سؤال برای‌مان مانده که اصلا مثل امام قدس سره که معتقد بودند استعمال آلات لهو مطلقا حرام است، خرید و فروشش حرام است، نگهداریش حرام است، مگر این آلاتی که الان هست، این‌ها آلات لهو نیست؟ یعنی ما دیگر آلات لهو نداریم؟‌این ابزارهای موسیقی پیشرفته، این‌ها آلات مشترکه‌اند؟ مگر می‌شود نی در روایات که نهی شده، طبل نهی شده، ‌آلت لهو است، گیتار و سنتور و این‌ها آلات لهو نیستند؟ این محتمل است؟ اگر این‌ها آلات لهو هستند، پس این غیر از این طبل‌هایی که در عزای امام حسین نواخته می‌شود یا در ارتش مخصوص برنامه‌های حماسی ارتش هست، ‌این ابزار آلاتی که در رادیو و تلویزیون هست، این‌ها آلات لهو‌هستند و باید بگوییم استعمال این‌ها مطلقا حرام است، ‌استماع این‌ها مطلقا حرام هست.

[سؤال: ... جواب:] آلاتی که اگر مناسب با آن این است که استعمال لهوی بشود. من برایم این سؤال مطرح است: نی آلت لهو است، این ابزارهای پیشرفته موسیقی که رادیو و تلویزیون می‌دهند از ژاپن با قیمت‌های کلان و گزاف می‌خرند این‌ها آلات مشترکه‌اند؟ اگر بگوییم اصلا ما دیگر امروز آلت لهو نداریم، این را که ایشان نفرمود. و این عرفا محتمل نیست امروز با قدیم چه فرق می‌کند؟ ... از کجا؟ ... استعمال لهوی زیاد شده، شما فکر می‌کنید غیر لهوی است. آخه مگر می‌شود ظهر الفساد فی البحر و البر، آلات فساد شد آلات مشترکه. آن روز که مردم ظاهر الصلاح بودند این آلات، ‌آلات مختصه لهو بود، حالا که مردم اکثرا دنبال این ابزار‌آلات لهو و لعب هستند، ‌نخیر، ما دیگر آلات مختصه لهو نداریم‌؟ این قابل گفتن است؟ گیتار دیگر آلت لهو نیست، چون در رادیو و تلویزیون ما نواخته می‌شود؟ آیا این اشتباه نیست؟ آیا ما در تفسیر معنای آلات لهو دچار اشتباه نشدیم؟ این را باید جدی بررسی کنیم.

ما کلمات لغویین را در تفسیر لهو بررسی کردیم.

کلمات فقهاء را هم کلام مرحوم شیخ را مطرح کردیم که ظاهر این بود که می‌گفت، تعبیری که کرد این بود که: آنچه که موجب فرح شدید بشود. لهو آن چیزی است که موجب فرح شدید بشود. عبارت ایشان را عرض کنم: لو خص اللهو بما یکون عن بطر و فسر بشدة الفرح کان الاقوی تحریمه.

که این را داشته باشید.

#### مرحوم بروجردی: لهو حرام موجب خروج انسان از حالت طبیعی

مرحوم آقای بروجردی که فرمودند که حرمت بعض اقسام لهو که مسلم است و لکن نمی‌شود ملتزم بشویم به حرمت مطلق لهو. چون لهو محرم آن لهوی است که انسان را از حالت طبیعی خارج کند به حیث یوجد له حالة سکرٍ لایبقی معها للعقل حکومة و سلطنة کالالحان الموسیقیة التی تُخرج من استمع الیها من الموازین العقلیة و تجعله مسلوب الاختیار فی حرکاته و سکناته فیتحرک و یترنم علی طبق نغامتها و ان کان من اعقل الناس و امتنعهم و بالجملة المحرم منه ما یوجب خروج الانسان من المتانة و الوقار قهرا و یوجد له سکرا روحیا یزول معه حکومة العقل بالکلیة و من الواضحات ان التصید، صید، ‌و ان کان بقصد التنزه لیس من هذا القبیل.

این بیان مرحوم آقای بروجردی ظاهرش این است که می‌خواهد بگوید لهو محرم این است. اما تفسیر لهو اعم است. و لذا می‌گوید صید به غرض تنزّه این حرام نیست. چون موجب این حالت که ما گفتیم نمی‌شود.

#### استاد: عدم تقید لهو در روایات صید لهو

و لکن فرض این است: در روایت راجع به صید لهوی فرموده است: الرجل یخرج فی الصید، این روایت را دقت بفرمایید! صحیحه زراره: سألته عمن یخرج عن اهله بالصقورة و البُزاة و الکلاب، باز شکاری می‌برد، سگ شکاری می‌برد، یتنزّه، ‌برای تنزه، هل یقصر من صلاته ام لا؟ قال: انما خرج فی لهو لایقصّر. همینی که آقای بروجردی فرمودند این لهو محرم نیست. خب این روایت تعبیر کرده کسی که دنبال شکار می‌رود برای تنزه، این سفرش برای لهو است؛ لایقصر. یا در موثقه سکونی دارد: سبعة لایقصرون. یکی الرجل یطلب الصید یرید به لهو الدنیا.

ما سؤال‌مان این است: می‌گوییم‌آقای بروجردی که مطلق لهو را معنا نکردند. لهو محرم را گفتند آنی که انسان را از حال اختیار خارج می‌کند و عقل انسان را از آن فرمان‌فرمایی بر نفس دور می‌کند و لذا می‌بینید این آقا با آن شخصیت کذایی وقتی موسیقی لهوی گوش می‌دهد، ‌هِی خودش را تکان می‌دهد و حرکات غیر اختیاری از او سر می‌زند که در حالات عادی هیچوقت این کار را نمی‌کرد. اما مطلق لهو را معنا نکرد.

#### سه تفسیر مرحوم شیخ برای لهو (فرح شدید، منبعث از شهوت جنسی، لغو)

مرحوم شیخ انصاری ظاهرش این بود که می‌خواست مطلق لهو را معنا کند. یک بار گفت ما یوجب الفرح الشدید. یک بار گفت ما یکون منبعثا عن قوی الشهویة. بعد هم گفت لغو بعید نیست مترادف باشد با لهو.

#### منافات روایات صید با تفسیر لهو به انبعاث از شهوت جنسی

واقعا کسی که سفر می‌کند برای صید این فعلش منبعث است از قوای شهویه؟ یعنی شهوت جنسی وادار می‌کند این شخص برود کنار دریا، ‌تور بیندازد ماهی بگیرد؟

[سؤال: ... جواب:] شهوت غیر جنسی که غذا خوردن ما هم ناشی از شهوت أکل است. مطلق شهوت در مقابل غضب که علماء اخلاق می‌گویند که هر فعلی که انسان به او شوق دارد می‌گویند ناشی از شهوت است. در مقابل هر فعلی که انسان از او بدش می‌آید می‌گویند ناشی از غضب است، ‌به این معنا که مراد نیست. مراد شهوت جنسی است. و واقعا کسی که صید می‌کند این صیدش ناشی از شهوت جنسی است اگر برای تنزه و تفریح باشد؟ قطعا این‌طور نیست. پس لهو... عرض کردم من اشکال به آقای بروجردی نکردم. عرض کردم آقای بروجردی مطلق لهو را معنا نکرد. مرحوم شیخ انصاری که تعبیر کرد لهو آن فعلی است که ینبعث عن قوی الشهویة، ‌تعبیر این است، تعبیر مرحوم شیخ بود که لهو ممکن است ما ینبعث عن قوی الشهویة.

و این اختصاص به مرحوم شیخ هم ندارد. مرحوم استاد هم در ارشاد الطالب همین تعبیر را دارند. جلد 1 ارشاد الطالب صفحه 249، می‌فرمایند که لایبعد ان یعم اللغو مثل افعال الاطفال الناشئة عن غیر قوی الشهویة بخلاف اللهو فانه یختص بالافعال التی یکون الداعی الیها القوی الشهویة و لذا ذکر سبحانه انما الحیوة الدنیا لعب و لهو فذکر اللعب اولا و اللهو ثانیا. لهو را ایشان فرمود فعلی که منبعث است از قوای شهویه. و نظیر اللهو اللغو بل لایبعد ترادفهما. آیا معنای عرفی لهو یعنی فعلی که ناشی است از شهوت؟ انما خرج فی لهو لایقصر، الرجل یخرج فی الصید یرید لهو الدنیا، یعنی یرید الشهوة الجنسیة؟

[سؤال: ... جواب:] شهوت به معنای عام یعنی ناشی از خواست نفسانی. شما برای تفریح هم می‌روید ناشی از خواست نفسانی است. کسی که می‌رود در باغ و بوستان یا می‌رود کنار دریا، این هم ناشی از شهوت به معنای مطلق خواست نفسانی است. هوای نفس است دیگه. پس نه؛ از ترس خدا می‌رود کنار دریا، دو روز که تعطیلی پیدا می‌کند می‌رود به سمت شمال، این قربة الی الله می‌رود؟ برای هوای نفس است دیگه، ‌برای تفریح است دیگه. آیا این‌ها ناشی از مطلق شهوت است؟ این‌که نمی‌شود هر کاری که انسان بکند از روی هوای نفس این لهو است. و الا آن افعال اطفال هم ناشی از مطلق شهوت است. پس طفل خانه می‌سازد خراب می‌کند این ناشی از عقل است؟‌اسباب‌بازی بازی می‌کند این ناشی از عقل است؟ اگر ناشی از عقل است شما چرا این کار را نمی‌کنید؟ این‌که ایشان می‌گوید الافعال التی لاتنشأ عن قوی الشهویة این لعب است بعد لهو آن افعالی است که ناشی است از قوای شهویه، خب این ظاهرش این است که می‌خواهد بگوید شهوت جنسیه . ظاهر شهوت در کلمات این است. خب این با روایات نمی‌سازد. انما خرج فی لهو لایقصر. الرجل یخرج فی الصید یرید لهو الدنیا. یا این روایت را برای‌تان بخوانم...

[سؤال: ... جواب:] ما معنای لهو را داریم می‌گوییم. معنای لهو. نمی‌گوییم مطلق لهو حرام است. معنای لهو اگر این نشد که خصوص فعل ناشی از شهوت جنسی پس معنای لهو باید ببینیم چیست. آن وقت ضرب آلات لهو به کیفیت لهویه را دیگر معنا نکنید کما این‌که بعضی‌ها معنا کردند که به کیفیتی نواخته بشود که موجب تحریک جنسی است. نه آقا! مگر لهو کاری است که موجب تحریک جنسی است؟ شما ببینید بعضی از آقایان این‌جوری معنا کردند. ما به این ایراد داریم. ما می‌گوییم لهو به معنای تحریک جنسی نیست.

#### برخی آقایان: تفسیر لهو حرام به انبعاث به مسائل جنسی وخلاف

برخی از آ‌قایان در رساله استفتائات جلد 2 حدود صفحه 270 بعد از این‌که گفتند خرید و فروش و استعمال آلات لهو و لعب که مخصوص مجالس فسق و فجور و شهوت‌رانی است حرام است. مقصود از مجالس لهو و لعب مجالس شهوت‌رانی و لاابالی‌گری است که طبعا موجب فساد می‌شود و هر آهنگ و آوازی که متناسب با این گونه مجالس باشد حرام است. موسیقی لهوی آن است که افراد را معمولا به سوی مسائل جنسی و خلاف اخلاق می‌کشاند و این مصداق موسیقی حرام است. خب چرا؟ چرا لهو را معنا می‌کنید آنچه که موجب تحریک جنسی است و انسان را به شهوت جنسی حرام می‌کشاند؟ این را از کجا در آوردیم؟

#### کل لهو باطل

ما باید مصطلح روایات را بررسی کنیم ببینم لهو به چه معنا است. روایت این‌جور می‌گوید، کل لهو، خوب دقت کنید! کل لهو باطل، ‌کافی عن محمد بن یحیی عن محمد بن احمد عن علی بن اسماعیل رفعه، سند، ‌ضعیف است ولی ما در استدلال به استعمالات خیلی نیاز به سند صحیح نداریم. قال رسول الله صلی الله علیه و آله کل اللهو باطل الا فی ثلاث:‌تأدیب الفرس، رمی القوس، ‌بعضی‌ها تفریح‌شان تیراندازی است، بعضی‌ها تفریح‌شان اسب‌دوانی است. و ملاعبة المرأة. بعضی‌ها هم تفریح‌شان این سومی است. ثلاث لهو نیست. آن، استعمال مجازی است. ولی دیگه اسب‌دوانی، ‌تیراندازی خب یک نوع سرگرمی است.

#### تفسیر لهو به خوش گذرانی

و لذا بعضی‌ها آمدند گفتند لهو یعنی خوش‌گذرانی. نه خوش‌گذارنی متناسب با شهوت جنسی؛ مطلق خوش‌گذارنی.

و جاب این است: آقای سیستانی معنا می‌کند لهو را به خوش‌گذرانی. در این رساله جامع در آن بحث امر به معروف و نهی از منکر که مصادیق محرمات را ذکر می‌کنند، ‌نوشته: فرق نمی‌کند چه غمناک باشد. ‌موسیقی که مناسب با مجالس لهو و لعب باشد حرام است، ‌مناسب با مجالس لهو و لعب یعنی مناسب با مجالس‌خوش‌گذرانی، ‌بعد نوشتند: فرقی نمی‌کند که این موسیقی فرحناک باشد یا غمناک.

آخه جمع بین این‌که هم خوش‌گذارنی بکند انسان هم غمناک باشد، یک مقدار مشکل است. آخه ما نمی‌فهمیم. می‌رود می‌گوید دل‌مان گرفته، مدت‌ها است فرض کنید برادرمان در سفر است، ندیدیم، ‌مدت‌ها است پدر و مادرمان را ندیدیم. یک نی‌ای بزن تا یک مقدار بالاخره این ناراحتی‌مان برطرف بشود. این‌جور است دیگه. تخلیه می‌شوند. به شکل سوزناک که می‌خوانند تخلیه می‌شود. بعد بگویی مجلس خوش‌گذارنی خوبی بود. اصلا جمع نمی‌شود با هم.

و لذا ما واقعا ماندیم این‌آقایان برای لهو چه تعریفی می‌کنند. انما خرج فی لهو لایقصّر. حالا تهافت در کلامی که در رساله آقای سیستانی هست را کنار می‌گذاریم بگوییم لهو به معنای خوش‌گذارنی. خب خوش‌گذرانی یعنی چه؟ آقا! خوش‌گذرانی به معنای به معنای فرح شدید یا به معنای مطلق فرح یا به معنای فرحی که همراه با گناه باشد؟ کدامیک؟

#### آقای زنجانی: مقصود از لهو مجالس فسق وفجور

شندیم آقای زنجانی فرمودند مراد از لهو آن مجالسی است که در آن فسق و فجور انجام می‌شد.

#### منافات این تفسیر با تطبیق لهو بر خروج للصید

کجای لهو این آمده؟ آقا!‌انما خرج فی لهو لایقصر. حتما باید ناصرالدین شاه که می‌رفت جاجرود برای صید از آن رودخانه شکار می‌کرد، همراه با خودش هم بطری مشروب می‌برد؟ رقاصه می‌برد تا بگوید انما خرج فی لهو؟ این‌ها نیست که. خوش‌گذارنی توأم با گناهان دیگر، حالا ممکن است هیچ گناه دیگری مرتکب نشود، خود خروج برای صید للتنزه روایت می‌گوید انما خرج فی لهو لایقصر. خب سؤال...

[سؤال: ... جواب:] شکار خاص یعنی مثلا شکار چی؟ ... آقا! الرجل یخرج فی الصید یتنزه. با سگ شکاریش می‌رود بیابان، ‌سگ شکاری می‌فرستد شکار کن، لذت می‌برد. بعضی‌ها از شکار لذت می‌برند. صبح می‌رود کنار این دریاچه کنار این رودخانه، ‌تور می‌اندازد ماهی می‌گیرد می‌گوید تو چندتا ماهی گرفتی، من چند تا ماهی گرفتم، لذت‌شان این است. غروب هم که می‌شود یا ماهی‌ها را بر می‌گردانند در دریاچه یا کباب می‌کنند می‌خورند یا می‌دهند به یک شخص دیگری، هر کاری می‌کنند، کلام این است: این صید للهو معنا کنیم لهو یعنی توأم با گناه و فسق و فجور، آخه از کجا این را در آوردیم؟

#### عدم امکان التزام به حرمت مطلق خوشگذرانی

ولی از آن طرف، مبعّد از آن طرف هم بگوییم. اگر بگویید لهو به معنای مطلق فرح شدید است یا مطلق فرح است، آیا ملتزم می‌شوید به عموم تعلیل؟‌انما خرج فی لهو لایقصر، هر سفری که هدفش تفریح باشد یا تفریح شدید باشد، تفریح شدید یعنی چی؟ یعنی خیلی به ما خوش گذشت. می‌گویند می‌آیی برویم فردا باغ؟ فلانی هم هست ها! مجلسش خیلی خوب است. جک می‌گوید، می‌خنداند، می‌‌گوید آره برویم. می‌روند آنجا آخرش هم می‌گویند خیلی خوش گذشت. خب نه غیبتی نکردند، نه تهمتی زدند، نه فسق و فجوری مرتکب شدند. برای مراسمی که برگزار شد شخصی آمد جک گفت، خیلی خنداند، آنقدر خنداند که حضار دست به دل‌شان گذاشته بودند. خب فرح شدید. بگوییم انما خرج فی لهو لایقصر. از این طرف هم مبعد هست. من انکار نمی‌کنم. عموم تعلیل را اگر بگوییم یعنی من کان سفره للهو لایقصر.

ممکن است شما ملتزم بشوید. بگویید آقا! ما ملتزم می‌شویم: هر سفری که به غرض لهو است نمی‌گوییم حرام است ولی موجب قصر نیست. حکم به تقصیر ارفاق بود به مسافر‌هایی که به غرض خوش‌گذارنی نمی‌رفتند.

خب این و لو مشهور به این شکل ظاهرا ملتزم نشدند، تفصیل دادند بین سفر للتنزه و التفرج و السفر للهو. این‌ها تفصیل دادند. و لکن بالاخره خلاف ما یتسالم علیه نیست کسی بگوید لهو همان تنزه است دیگه. فرق بین تنزه و لهو چیست؟ لهو همان تنزه است دیگه؛ تفریح است دیگه.

حالا تفریح بگویید تفریح شدید. بین تفریح شدید و تفریح خفیف چه فرق است فقهیا؟ حالا معیارش چیه؟ بگویی آقا!‌این درجه از خوش‌گذرانی عیب ندارد. یک مقدار که خوش‌گذارنی فیلترش آمد بالا، به حرام منجر نشده ها! خیلی خندیدم، ‌تبسم بکنید، ‌در حد تبسم باشد، نه، این عیب ندارد. ولی اگر قهقهه بکنید این یک خوش‌گذرانی شدید است. این هم فقهیا این تفصیل مفتی‌به نیست و قابل التزام نیست.

پس ما در تفسیر لهو دچار این مشکل هستیم که برخی لهو را تفسیر کردند به فعل ناشی از قوای شهویه. ما می‌بینیم این خلاف روایات است. بگوییم خو‌ش‌گذرانی، خب لازمه‌اش این است که بپذیریم هر سفری که به غرض خوش‌گذرانی است موجب تمام نمی‌شود. و لفظ خوش‌گذرانی هم در لغت نیامده. این تفسیر به رأی است ما بگوییم لهو یعنی خوش‌گذرانی. لغت لهو را که معنا می‌کرد می‌گفت ما یلهی الانسان، ما یشغل. انسان را سرگرم بکند. این‌جوری گفتند. الهاکم التکاثر یعنی این‌که هِی دنبال این هستید که ثروت‌اندوزی بکنید، اینها، ‌الهاکم التکاثر. یا دنبال این هستید که بگویید ما قبیله‌مان چقدر انسان بزرگ داشته حتی زرتم المقابر، خب مشغول این‌ها شدید، ‌از یاد خدا باز ماندید. خب در آن، ‌خوش‌گذرانی، در مفهوم لهو نیامده.

و لذا...

[سؤال: ... جواب:] اگر معنای لغوی لهو را بگویید، یعنی سرگرمی. سرگرمی لهو است. انما الحیوة الدنیا لهو و لعب، سرگرمی است. البته سرگرمی به امور عقلائی مثل سرگرمی به کار، سرگرمی به درس، سرگرمی به عبادت، نه. ... بله. کارهایی که انسان سرگرم می‌شود به درس، ‌به عبادت او خوبه. نه؛ کارهایی که عرفا می‌گویند سرگرمی است. ... لهو یعنی سرگرمی. کارهایی که عرفا به او بگویند سرگرمی. غرض عرفی غیر از سرگرمی ندارد.

#### کلمات آقای خوئی در مقام

و لذا آقای خوئی ببینید چه می‌گویند! آقای خوئی خیلی در این مسئله دقیق‌تر صحبت کرده. گفته: آقا! مگر می‌شود ملتزم شد به این‌که مطلق لهو حرام است؟ در روایات بعض مستحبات را گفتند لهو. همان روایت مرفوعه که می‌گفت: تیراندازی و تأدیب فرس. این‌ها در اسلام مستحب است، در عین حال گفتند لهو.

بعد ایشان می‌گوید که مثال می‌زند، می‌گوید: کسی با سنگ بازی می‌کند. هِی سنگ‌ها را جابجا می‌کند. هِی سنگ را از این ور بر می‌دارد اینجا از آن ور بر می‌دارد اینجا. با تسبحش بازی می‌کند. نه این‌که بشمارد عدد سبحه را بخاطر این‌که می‌گوید این هم یک نوع ذکر الله است تعبدا. نه. هِی این‌جوری این‌جوری می‌چرخاند. با ریشش هِی بازی می‌کند. با دکمه‌هایش هِی بازی می‌کند. می‌گوید اللعب بالاحجار و الاشجار و السبحة و اللحیة و أزرار الثوب و نحوها. خب این‌ها همه لهو است.

#### لهو يعنی مطلق سرگرمی

بعد می‌گوید مگر می‌شود مطلق لهو حرام باشد؟ مطلق لهو بله؛ حرام نیست. اما اگر این‌ها لهو باشد، دو تا مشکل پیدا می‌کنیم. یعنی ایشان اصلا با این بیانش خوش‌گذرانی هم معنا نمی‌کند لهو را تا چه برسد بگوید خوش‌گذرانی متناسب با شهوت جنسی. مطلق سرگرمی عرفی که غرضی غیر از سرگرمی ندارد آن فعل.

#### مشکل اول: عموم تعلیل خرج فی لهو لایقصر

و لکن دو تا مشکل پیدا می‌کند ایشان. ایشان این‌ها را مثال زد بگوید مطلق لهو حرام نیست. اما دو تا مشکل پیدا می‌کند: یکی: این‌که انما خرج فی لهو لایقصر، آن عموم تعلیل را چه کار می‌کند؟

[سؤال: ... جواب:] عموم تعلیل است. العلة تعمم. الرجل یخرج فی الصید یتنزه لیلتین و الثلاث قال انما خرج فی لهو لایقصر. عموم تعلیل است. یعنی هدفش از این سفر سرگرمی بود. ما به او نمی‌گوییم نماز شکسته بخوان. به عموم تعلیل ایشان ملتزم نشده.

#### مشکل دوم: لزوم حرمت استعمال آلات برای سرگرمی

دوم: استعمال آلات لهو یا مشترکه، حالا استعمال آلات لهو را ایشان مطلقا حرام دانست، ‌استعمال آلات مشترکه را گفت به کیفیت لهویه حرام است، آقا! شما کیفیت لهویه را چه معنا کردید؟ گفتید سرگرمی. پس قابلمه هم بزنند برای سرگرمی، قابلمه از آلات لهو نیست ولی قابلمه می‌زنند برای سرگرمی.

[سؤال: ... جواب:] برای سرگرمی است دیگه. قابلمه می‌زنند تا با دشمن بهتر بتوانند بجنگند؟ سرگرمی است دیگه.

پس این هم حرام است؟

بعد باز این عبارت‌ها از لابلای کلمات آقای خوئی پیدا کردیم. این عبارتی که خواندیم مصباح الفقاهة جلد 1 صفحه 381 بود. اینی که الان می‌خوانم، مصباح الفقاهة جلد 1 صفحه 422: فرموده که آقا! ضرورت فقه می‌گوید لهو مطلقا حرام نیست. باز هم مثال می‌زند. اینجا هم مثال می‌زند به لعب به سبحه و لحیه و حبل و احجار و اینها. بعد می‌گوید باید حمل کنیم روایاتی که نهی می‌کند از لهو بر قسم خاصی از لهو أعنی الغنا و نحوه. مراد از نحوه هم ضرب آلات لهو است. پس به نظر ایشان غنا چیه؟ غنا آنی است که به کیفیتی است که سرگرمی باشد. این معنایی که می‌کنند: بله، به کیفیتی که مناسب مجالس عیاشی و کیّافی و خوش‌گذرانی و فسق و فجور و دیگه ادامه‌اش هم بدهید که مجالس زنا و اینها، از کجا این قیود را اضافه کردید؟ در مورد صید لهوی هم آقای خوئی فرموده که افرادی که صید لهوی می‌کنند غرض‌شان سرگرمی است و انما یقصد الترف و الانس کما هو‌شأن الملوک و الأمراء و غیرهم من أبناء الدنیا. بعد می‌گوید که به نظر ما این نه تنها موجب نماز تمام است، حرام هم هست نه به خاطر روایت انما خرج فی لهو، او دلیل بر حرمت نیست، بخاطر موثقه زراره که می‌گوید که: انها مسیرةٌ لیست بحقٍ. بعد آقای خوئی می‌گوید پس صید للهو مسیرة لیست بحق یعنی مسیرة باطل. باطل هم یعنی باطل شرعی.

که به نظر ما این درست نیست. باطل ممکن است باطل عرفی باشد نه باطل شرعی. باطل عرفی که حرام نیست. و لذا این هم دلیل بر حرمت نیست. اما نشان می‌دهد که معنای لهو این معنایی که بعضی از آقایان می‌کنند نیست.

#### ظاهر حرمت ضرب به آلات برای مطلق سرگرمی

و لذا ظاهر این است که لهو مطلق سرگرمی است عرفا و یا مطلق خوش‌گذرانی نه خوش‌گذرانی همراه با فعل حرام. می‌روند وزرشگاه خوش به آنها می‌گذرد فوتبال نگاه کنند. این لهو است دیگه. لهو چیه؟ و لذا ضرب آلات لهو را با این دید نگاه کنید، برای سرگرمی حرام است. آن وقت اکثر این موسیقی‌هایی که ما فکر می‌کنیم حلال است، می‌شود حرام و مهم نیست. ما می‌توانیم به این ملتزم بشویم و توضیح آن را ان شاء الله در جلسه آینده عرض خواهیم کرد.